

## گلی بر مزاری

### مزارنوشته نو یافته‌ای به پهلوی ساسانی از کازرون

ژاله آموزگار

دانشگاه تهران

شهر تاریخی و کم‌نظیر کازرون و شهر شاپور (بیشاپور) امانتدار اوراق گرانمایی از فرهنگ غنی سرزمین ما هستند (نک. حاتمی، ۱۳۸۰). در این گستره ارزشمند، در کنار آثار شناخته شده از دوران ساسانی و سنگ‌نوشته آپسای دبیر (تفضلی، ۱۳۷۶: ۸۹)، سنگ‌نوشته‌های کوتاهی نیز به دست آمده است که بیشتر سنگهای محافظ استودان‌اند و به سنگ مزار معروف‌اند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۰۲) و تعدادی از آنها بررسی شده‌اند (تفضلی، ۱۹۹۱، ۱۹۹۴-۹۵؛ تقضلی و شیخ‌الحکمایی، ۱۹۹۴؛ و دیگران).

از میان آنها این بار دست بر روی سنگ‌نوشته‌ای می‌گذاریم که بر روی سنگی ستون‌مانند و میان‌تهی نگاشته شده و زمانی دراز نیز با آغوشی باز میزبان گلهایی تر و تازه بوده است. دستیابی به عکسهای نسبتاً روشن این سنگ مزار را مرهون آقای عمادالدین شیخ‌الحکمایی، پژوهشگر ارجمند مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، هستیم. ایشان، با علاقه‌ای که به زادگاه خود کازرون دارند، اطلاعات زیر را با دقت تمام فراهم آوردند که سپاس‌دار این لطف نیز هستیم.

این سنگ از زمینهای بخش جنوبی کازرون به دست آمده است. زمان کشف آن مشخص نیست. تصویرها در منزل یکی از اهالی کازرون از این سنگ تهیه شده است که از آن به جای گلدان استفاده می‌شده است.

این سنگ میان تهی ۱۴۶ سانتی‌متر درازا و ۵۳ سانتی‌متر پهنا دارد. قطر آن ۶ سانتی‌متر و بلندی آن ۴۷ سانتی‌متر است. درازای درون متن ۱۳۳ سانتی‌متر و حاشیه متن، به طور متوسط، ۶٫۵ سانتی‌متر است. نوشته‌های روی سنگ ۱۴ سطر و طول هر کدام از سطرها ۴۷ سانتی‌متر است.

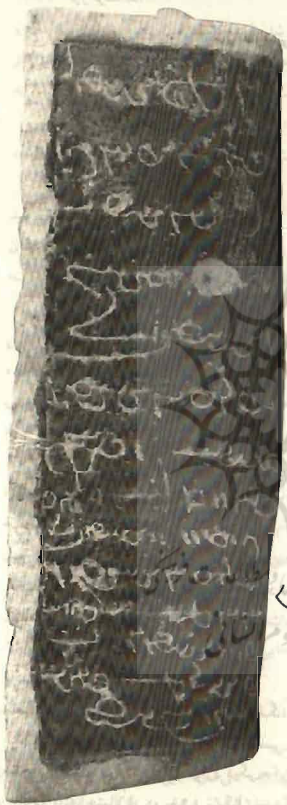
بخشهایی از نوشته‌های روی سنگ آسیب دیده است و قابل خواندن نیست. برای بخشهای آسیب‌دیده، به حدس، قرائتهایی پیشنهاد شده است.

خط اصلی این کتیبه متصل یا شکسته است (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۰: ۴۵؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۹۷، ۱۹۹۳: ۵۴۰)، با نوعی آمیختگی حروف کتابت با حروف کتیبه‌ای که در سنگ‌نوشته‌هایی از این دست به چشم می‌خورد و رمزگشایی آنها را مشکلتر می‌سازد.

محتوای متن و واژه‌ها تقریباً همانند دیگر نوشته‌های سنگ مزار است، ولی تازگیهایی در آن به چشم می‌خورد که در بخش یادداشتها بدانها اشاره خواهد شد. بازسازی، قرائت و تحلیل برخی واژه‌ها با تردید انجام شده است و احتمال اشتباه در آن هست. چه بسا دیدگاههای بعدی تکمیل‌کننده قرائت نخستین باشد.\*



\* سعی کردم در مورد واژه‌هایی که درباره آنها تردید داشتم از تجربه‌ها و دانش دوست و همکار دانشمند، پروفیسور زینو، بهره بگیرم، ولی به دلیل ناخوانا بودن تصویرهای ارسالی‌ام، رمز بیشتری گشوده نشد و درباره چند مورد پیشنهادی هم نتوانستم با نظر ایشان موافق باشم. به آن موارد در یادداشتها اشاره کرده‌ام.



- ۱- ۲۲ س س د
- ۲- ۳۳ س س د ( )
- ۳- ۳۳ س س د
- ۴- ۳۳ س س د
- ۵- ۳۳ س س د
- ۶- ۳۳ س س د
- ۷- ۳۳ س س د
- ۸- ۳۳ س س د
- ۹- ۳۳ س س د
- ۱۰- ۳۳ س س د
- ۱۱- ۳۳ س س د ( )
- ۱۲- ۳۳ س س د
- ۱۳- ۳۳ س س د
- ۱۴- ۳۳ س س د

متن زیر از روی تصویر کتیبه بازنگاری شده است؛ واژه‌های اصلاح شده در میان علامت < > قرار گرفته‌اند.

حرف‌نویسی و آوانویسی متن

1. ZNH 'špwl	ēn ašbar/ašwar
2. *QDM 'p'n' < Y >	*abar ābān < ī >
3. ŠNT *90 Y	sāl *90 ī
4. *yz<dkrt'> * < m >'h'n	*Yazdgird *Māhān
5. whšt bhl	wahišt bahr
6. 'plwyc 'n'hyt'	Abarwēz Anāhīd
7. ZYŠ NYŠH	īš zan
8. YHWWNt l'd plmwt	būd rāy framūd
9. krtn' whšt bhr	kardan wahišt bahr
10. 'plwyc 'n'hyt'	Abarwēz Anāhīd
11. 'whrmzcd hl *TLYN' < n >	Ohrmazd har dōān
12. PWN whšt' Y	pad wahišt ī
13. p'hlwm g's	pahlom gāh
14. YḤBN[']t	dahād

ترجمه متن

این آرامگاه را در (ماه) آبان سال \*نود \*یزدگرد، \*ماهان بهشت‌بهر (= که بهشت بهره او باد)، برای آناهید پیروز (= ابرویز آناهید)، که زن او بود، فرمود کردن (= دستور ساختن داد). بهشت بهره آناهید پیروز (باد). اورمزد هر \*دو را به بهشت برین جای دهد.

یادداشتها

سطر ۱: واژه ašbar/ašwar، به معنی آرامگاه، در دیگر سنگ مزارها هم دیده می‌شود (تفضلی، ۱۹۹۱: ۱۹۸). حرف š در آن املائی خاصی دارد. در این سنگ‌نوشته نگارش حرف w کاملاً مشخص است، در حالی که در موارد دیگر به این وضوح نیامده است.

این واژه احتمالاً از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول آن -w/āšl به مفهوم استراحت است و بخش دوم آن war مفهوم «حصار» دارد که در واژه aspān war (تحت‌اللفظی به معنی

جایگاه استراحت، گورستان) هم دیده می‌شود (برای توضیح کامل در بارهٔ این واژه، نک. تفضلی، ۱۹۹۱: ۲۰۰-۱۹۹).  
 ...

س ۲: قرانت (QDM)abar با تردید عرضه شده است، چون حرف اول واژه دقیقاً املائی متداول Q را در کتیبه‌ها نشان نمی‌دهد؛ ولی، با توجه به تغییرات نگارشی در سنگ‌نوشته‌هایی از این دست، چنین تشخیصی زیاد دور از ذهن نیست. برای تغییرات صوری این حرف، می‌توان به کتیبهٔ ابنون، س ۵ و ۷ نیز توجه کرد (زینو، ۱۹۹۱: ۱۳).

املائی حروف D و M کاملاً واضح است. ضمناً، کاربرد abar برای زمان نیز در کتیبه‌ها آمده است (زینو، ۱۹۹۱: ۱۳).

واژهٔ ābān، در اینجا، در مفهوم ماه آبان گرفته شد. حرف آخر این واژه، که ما آن را حرف زاید تلقی کردیم، حالت انحنائیه دارد. البته، حرف زاید در کتیبه‌ها به صورت Y کشیده نیز نشان داده می‌شود. شاید این صورت املائی نشان‌دهندهٔ حرف Y اضافه نیز باشد که در این صورت، نیازی به افزودن این حرف نخواهد بود.

سنت این نوع نوشته‌ها در دادن تاریخ معمولاً این است که پیش از نام ماه هزوارش BYRA (māh) نوشته شود (تفضلی، ۱۹۹۱: ۱۹۸، س ۴). ولی صورتهای دیگر نیز دیده شده است و، چنانکه ذکر شد، کاربرد معمول abar، همچون حرف اضافه‌ای برای زمان، نیز حدس ماه آبان را به حقیقت نزدیک می‌کند به‌خصوص اگر به قرانت بازسازی شدهٔ سطر بعد توجه کنیم.

شاید، با در نظر گرفتن موارد همانند در دیگر سنگ‌نوشته‌ها، بهتر می‌بود که از ترکیب این واژه با واژهٔ قبلی نام خاصی به دست آید. ولی فرض نام خاصی که ترکیبات آن نیز مشخص نیست به نظر من دور از ذهن آمد به‌خصوص که، به اعتقاد پروفیسور زینو، با چنین فرضی، عبارتهای بعدی نامفهوم‌تر می‌شد.

س ۳: املائی N در ŠNT غیرمعمول خط پهلوی است چون N به حرف بعد وصل نمی‌شود، ولی نگارش غیرمعمول N در چنین سنگ‌نوشته‌هایی دیده شده است (تفضلی، ۱۹۹۱: ۱۹۸، س ۲ و ۳).

صورت واژه‌ای که عدد نود فرض کرده‌ایم با املاهای این عدد هماهنگی دارد (نیرگ، ۱۹۶۴: ۱۷۳).

س ۴: در اولین واژه آسیب‌دیدگی اساسی دیده می‌شود. این واژه، از روی حدس و با توجه به عبارتهای مشابه در کتیبه‌های دیگر (تفضلی، ۱۹۹۱: ۱۹۸، س ۶)، با املائی 'yzdkrt' (yazdgird) بازسازی شد.

واژه بعدی، با توجه به مفهوم عبارت، نام شخصی باید باشد که دستور تهیه این سنگ‌نوشته را برای همسرش داده است. حرف اول این واژه آسیب دیده است. ولی در قرانت حروف دیگر 'h'n مشکلی نیست. حرف m در اول آن با حدس بازسازی و واژه Māhān خوانده شد.

س ۵. wahišt bahr عبارت آشنایی برای کتیبه‌هاست (تفضلی، ۱۹۹۱: ۳۰۱) و نبودن فعل دعایی برای آن مشکلی ایجاد نمی‌کند.

س ۶. گمان بر این است که نام بانوی درگذشته اناهد است با لقب یا صفت آپروز، به معنی پیروز، یا ترکیب Abarwēz Anāhīd خود می‌تواند نام درگذشته باشد (در مورد اشتقاق واژه Abarwez، نک. هرن و هوبشمان، ۱۳۳۶: ۳۷۱).

س ۷ و ۸. عبارت 'īs zan būd rāy ... «برای ... که او را زن بود» ترجمه شد که عبارتی آشنا برای متون پهلوی است.

س ۹ و ۱۰. حرف k در واژه kardan بیشتر شکل کتیبه‌ای دارد و در سنگ‌نوشته‌هایی از این قبیل آمده است (تفضلی و شیخ‌الحکامی، ۱۹۹۴: ۲۶۵؛ تفضلی، ۱۹۹۴: ۱۸۰). عبارت دعایی wahišt bahr (که بهشت بهره او باد) در این جا تکرار نشده است، بلکه «بهشت بهره» اول دعایی برای کسی است که دستور نگارش این کتیبه را داده است و «بهشت بهره» دوم دعایی است برای بانوی درگذشته.

س ۱۱. واژه بعد از Ohrmazd بحث بیشتری را پیش می‌کشد. قرانتی برای bay می‌توانست مطلوب باشد، ولی بازسازی هزوارش 'RHY' مشکل بود.

قرانت این عبارت به صورت har dōān با تصحیح مختصری امکان‌پذیر است، چون در این جمله دعایی شده است برای دو شخص: دستوردهنده و بانوی درگذشته. dōān را با املای TLYNn در کتیبه کرتیر در سرمشهد می‌توان یافت (ژینیو، ۱۹۷۲: ۳۵). این حدس را نیز می‌توان زد که نگارش «دو» هم به صورت هزوارش و هم به صورت عدد «۲» آمده است. یعنی حرف " ' " را می‌توان عدد «۲» نیز تلقی کرد. در این صورت نیازی به افزودن «n» نخواهد بود و عبارت را می‌توان har dō خواند.

س ۱۳ و ۱۴. واژه pahlom صفت برای wahišt گرفته شده است، نه برای gāh، و در این عبارت دعایی، درخواست می‌شود که اورمزد هر دو را در بهشت برین جای دهد.

واژه dahād، که آخرین واژه متن است، w معمول هزوارشها را ندارد و می‌تواند دعایی ن تکرار شده است.

## منابع

### الف) فارسی

- آموزگار، زاله و احمد تفضلی، ۱۳۸۰، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، ج ۳، تهران، معین.
- تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش زاله آموزگار، ج ۱، تهران، سخن.
- حانمی، حسن، ۱۳۸۰، کازرون، کازرون، اداره کل میراث فرهنگی.
- هرن، پاول و هایریش هوشمان، ۲۵۳۶/۱۳۳۶، اساس اشتقاق فارسی، ج ۱، ترجمه و تنظیم جلال خالقی مطلق، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

### ب) زبانهای خارجی

- Gignoux, Ph., 1972, *Glossaire des Inscriptions Pehlevies et Parthes*, Corpus Inscriptionum Iranicarum, London.
- , 1991, "D'Abnīn à Māhān, etude de deux inscriptions sassanides", *Studia Iranica* 20/1:9-22.
- Tafazzoli, A., 1991, "L'inscription de Kazerun II (Parišān)", *Studia Iranica* 20/2:197-202.
- , 1993, "Dabīre, Dabīrt", *Encyclopaedia Iranica* VI/5: 540-541.
- , 1994-95, "Two Funerary Inscriptions in Cursive Pahlavi from Fars", *Orientalia Suecana* XLIII-XLIV: 177-182.
- , and E. Sheikh-al-Hokamayi, 1994, "The Pahlavi Funerary Inscription from Mashān (Kazerun III)", *Archäologische Mitteilungen aus Iran* 27:265-267.
- Nyberg, H. S., 1964, *A Manual of Pahlavi*, Otto Harrassowitz, Wiesbaden.